

بی تردید یکی از مهمترین دغدغه های اصلی نظام مقدس جمهوری اسلامی، بسط و گسترش فرهنگ ناب محمدی (ص) در جامعه بوده و هست. مساله حجاب نیز به عنوان یکی از ارکان اصلی حفظ عفت عمومی در جامعه، همواره مورد بحث و نظر کارشناسان مختلف بوده، تا آنجا که با گذشت 28 سال از پیروزی انقلاب بی بدیل اسلامی در ایران، هنوز یکی از مباحث زنده و جریان دار این نظام محسوب می شود.

آنچه خواهید خواند، نگرشی است کوتاه بر آنچه که در دوران پیدایش و پس از شکل گیری انقلاب اسلامی در ایران رخ داده است که تنها هدفش نگاهی به گذشته برای تصمیم گیری برای آینده ای بهتر است.

اگر به وضع ایرانیان تا قبل از دستور کشف حجاب رضاخان مراجعه کنیم، خواهیم دید که اکثریت قریب به اتفاق ایرانیان از دیرباز، حجاب را به عنوان یکی از اصلی ترین نمادهای دینداری و مسلمانی به حساب می آوردند. حتی در برهه هایی همچون کشف حجاب، ممانعت از دختران با حجاب برای ورود به مدارس و ادامه تحصیل نیز بسیاری از خانواده ها، عطای تحصیل و پیشرفت را به لقای حفظ اعتقادات خود بخشیدند تا ثابت کنند، حکومت ها تنها و تنها بر نوع زندگی، سیاست حاکم و برخی مسائل اجتماعی و اقتصادی آنها حکم رانی می کنند و نه بر اعتقاداتشان. در همان دوره کشف حجاب و حتی قبل تر از آن هم تنها وابستگان دربار و برخی دولتی ها (اعم از دولتمردان و کارمندان دولت) تجدد سوغات گونه فرنگ را بر خود تافتند، و گرنه اکثریت همچنان با اعتقادات راسخ خود، مبانی اصلی اسلام را حتی در زمان خفقان و ممنوعیت، زنده نگاه می داشتند.

با پیروزی انقلاب اسلامی که همواره در طول سال های مبارزه، دغدغه های دین مداری و دین محوری در حکومت را شعارها و اصول راهبردی خود می دانست، توقع از نظام برای تحقق کامل این اصول بیش از گذشته شد. در این میان پس از گذشت بیش از دو دهه از پیروزی انقلاب، نگاه های متفاوتی وجود دارد و وضعیت کنونی از نظر حجاب زنان با نگاه های متفاوتی تعریف و تحلیل می شود. از میان آنان بهزاد کشمیری پور، گزارشگر صدای آلمان در تهران، در بهمن 84 و در گزارشی تحلیل گونه چنین می نویسد:

«از سال پیش مسئله حجاب و «بدحجابی» به یکی از معضلات اجتماعی بدل شده است. گرچه برای رعایت نکردن «پوشش شرعی» مجازات هایی پیش بینی شده، اما تعریف ویژگی های این پوشش هنوز نامشخص است.»

حجاب خوب کدام است و حجاب بد، کدام؟ این پرسشی است که از سال پیش مطرح شده و هنوز هیچ کس پاسخ روشنی برای آن ندارد. اوایل انقلاب که تعدادی از زنان برای آزادی پوشش جلوی نخست وزیری تظاهرات می کردند عده ای با شعار «یا روسری یا توسری» ظاهراً پوشاندن موها و بعداً به تن کردن مانتو را حجاب می دانستند اما مسئولان هرچا توانسته اند نشان داده اند که چادر و مقنعه را به عنوان حجاب خوب ترجیح می دهند. پوشش زنان از آنجا رنگ یک معضل اجتماعی به خود گرفت که از طرفی مسئولان بر سر تعریف حجاب خوب و بد با هم به توافق نمی رسند و از سوی دیگر حجاب خوب خیلی وقت ها در عمل غیرقابل استفاده است. (!)

گرچه پوشش مسئله هر روز مردم است، موضوع حجاب و بدحجابی هر ازگاهی و به مناسبتی موضوع روز می شود و بحث های داغی به همراه می آورد که با گذشت زمان دوباره فراموش شود. تابستان و فصل گرما همواره بازار بحث بدحجابی را داغ تر می کند. آنچه در این سال ها تقریباً برای همه روشن شده این نکته است که به

گفته عضو کمیسیون اجتماعی مجلس، مرتضی فیض علی، کارهای مقطعی همیشه با شکست مواجه می شود. و برخوردهایی که در این سال با مسئله حجاب صورت گرفته اغلب تدابیر و تصمیم هایی مقطعی بوده اند. و این ابتدای ماجرای تمام ناشدنی حجاب در ایران است. به عقیده نگارنده، مهم ترین علت وجود برخی نابسامانی ها درباره حجاب که آن هم بیشتر در شهرهای بزرگ ایران اسلامی دیده می شود، یک مشکل تاریخی است و آن فراموشی باغبانی انقلاب عزیزمان است. پس از پیروزی انقلاب و در شرایطی که بیش از 98 درصد مردم جمهوری اسلامی را پذیرفتند، بسیاری به دنبال زیرساخت های اقتصادی و سیاسی حکومت رفتند و پایه های فرهنگی را با توجه به همراهی بی نظیر مردم، از این مهندسی بی نیاز دانستند. بوستان همیشه سبز سال های 57 و 58 با آغاز جنگ تحمیلی بیش از پیش مورد غفلت واقع شد. پس از پایان جنگ نیز دوران سازندگی، این غفلت را دو چندان کرد. به هر حال هر باغ و بوستان و بوستان آبادی بدون رسیدگی و باغبانی با وجود زمینی مرغوب، از علف های هرزه و آفات مصون نمی ماند و بوستان فرهنگی انقلاب نیز با پیشرفت های حوزه های مختلف و حضور جدی تر زنان در عرصه های متعدد و متنوع اجتماعی از این آفات بی نصیب نماند. به این ها هجده فرهنگی دشمن و بمباران رسانه ای و تبلیغاتی غرب که بسته های سوغات گونه اش همچنان ادامه داشت و ادامه دارد، را هم اضافه کنید. پس معضل ضعف باغبانی و هدایت خوب فرهنگی، توجیه مسائل اجتماعی برای نسل های بعد از انقلاب و همچنین غفلت از حضور دشمن باعث شد، آن بوستان سبز دهه شصت کم کم علف هرزها و گیاهان مضر را در خود ببیند.

حجاب چرا؟ مخالفت چرا؟

اصولا در هر جامعه ای و پس از رویش هر انقلاب و ظهور ایدئولوژی جدید حکومتی همواره در ابتدا مشکلاتی پیش می آید، از جمله در اوایل انقلاب بسیاری با توجه به حاکمیت جمهوری اسلامی، تندروی ها و کندروی های بسیاری را در حوزه های فرهنگی انجام دادند. البته با توجه به آنچه که قبل تر اشاره شد، ساختار بعضی از نهادهای دولتی به شدت نیاز به ترمیم داشت حدود یک ماه پس از پیروزی انقلاب که بالتبع باید بسیاری از باید و نبایدهای جدید در مجموعه های مختلف و مرتبط با نظام حکمفرما می شد، امام خمینی (ره) رهبر فقید انقلاب در پیامی صراحتا تاکید کردند: زن ها باید با حجاب به وزارتخانه ها بروند [1]. نوع نگاه معمار کبیر انقلاب در این یک جمله هم بسیار هوشمندانه و حساب شده است، این جملات زمانی ادا شد که عده ای به واسطه پیروزی انقلاب، مانع حضور زنان در ادارات دولتی می شدند و تنها چادر را به عنوان حجاب اسلامی می دانستند. حجت الاسلام اشراقی، داماد حضرت امام (ره) در تاریخ 17 اسفند 57 و شاید در تشریح این جمله حضرت امام به رادیو انقلاب اسلامی این چنین گفت: «باید در نظر داشت که حجاب به معنی چادر نیست همین قدر که موها و اندام خانم ها پوشانده شود و لباس آبرومند باشد حالا به هر شکلی که باشد مهم نیست چادر چیز متعارفی است و بسیار خوب است. اما به خاطر طرز کار و نوع کار خانم ها شاید گاهی پوشاندن بدن و مو به طریق دیگر هم حجاب باشد حرفی نیست.»

حتی مسئولان وقت در مورد اقلیت های مذهبی نیز با احترام کامل برخورد کردند و این گونه عنوان شد که آنها با هر آئین و مذهبی قابل احترام و مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران هستند، توقع آن است که برای ظاهر شدن در اجتماع با عرف ایران اسلامی هماهنگ باشند.

از سویی برخی شبه روشنفکران در همان روزهای تولد انقلاب، حجاب را مانعی برای رشد و توسعه کشور (!) می

دانستند، شاهد مثالشان هم کشورهای غربی بود. آیت الله طالقانی در تاریخ 20/12/57 طی سخنانی شیوا، این مغاطله را پاسخ دادند: «حجاب در ایران یک مسئله سنتی و تاریخی است که در عمق تاریخ ما و تاریخ شرق مطرح بوده است. همیشه زن های ما دارای یک فرم حجاب بوده اند، حجاب به معنای عامش نه مخصوص به چادر و وضع خاص یعنی حفظ عفاف، یعنی وقار، حفظ وقار و شخصیت زن همیشه در ایران و کشورهای شرقی اسلامی و غیراسلامی بوده و شما ملاحظه می کنید که هندی ها، زن های هندوستان با این که مسلمان نیستند برای حفظ سنت اصیل ملی شان، اکثرا دارای حجابی سرپوشی هستند که مظهر کامل زنان مترقی و مدیر و سیاستمدار شرق خانم «گاندی» است. باید بدانید که رضا شاه یا بر اثر برنامه های استعماری خواست زنان ما را خفیف کند و به بی بند و باری بکشاند و همان طوری که برنامه عمومی استعمار است که زن و مرد را سرگرم شهوت رانی ها، خوش گذرانی ها و عیاشی ها بکنند تا بتوانند کارشان را پیش ببرند و یا خیال می کرد همین قدر لباس ها را که کوتاه کرد، مردم ایران که کت و شلوار پوشیدند، شاپو گذاشتند، زن ها که بی حجاب شدند دیگر ترقی کرده ایم. کار رضاشاه همین بود، خیال کرد که دنیای غرب که مترقی شده و پیشرفت کرده است دلیلش این است که زنانش بی حجابند و توسعه اقتصاد و علم و قدرت و صنعت نیز به همین دلیل است.»

این در حالی بود که برخی سیاسیون وجود حجاب را یک مانع جدی برای استقرار دموکراسی می دانستند و معتقد بودند حجاب برای چه؟ در یک کشور آزاد، هر فردی مختار است نوع پوشش خود را خود انتخاب کند. همین جماعت بودند که در روزهای پایانی سال 57 یک به اصطلاح تظاهرات خودجوش را با شعار یا روسری یا توسری ترتیب دادند. هدف هم چیزی نبود جز نمایش یک جنبه از ترفندهای پنهان استعمار در قالب دموکراسی و آزادی بیان. حتی در شعارهایشان عبارت رهبر ما خمینی/ مرام ما آزادی هم شنیده می شد. یک روز پس از این تجمع کمیته مرکزی انقلاب، اطلاعیه ای را مبنی بر برخورد با افرادی که با عنوان کمیته مزاحم بانوان می شوند را صادر کرد. در آن اطلاعیه تصریح شده بود هیچ کس و یا نهادی حق ندارد به بانوان توهین و یا تعرض کند. به فصله یک روز پس از صدور این اطلاعیه جمعی از بانوان پایتخت در میدان توپخانه و سپس موسسه کیهان تجمع کرده و ضمن حمایت از نظر حضرت امام (ره) مبنی بر رعایت حجاب اسلامی در ادارات و نهادهای عمومی، شعار می دادند: ما پیرو قرآنیم/ بی حجاب نمی خواهیم یا رهبر ما خمینی است/ حجاب ما زینبی است و یا مرگ بر ارثیه پهلوی.

در همین روزها رسانه های غربی از جمله خبرگزاری فرانسه اتفاقات پیش آمده را بهترین محمل برای تهیه گزارش و نیل به اهداف خود که همانا تصویر کردن ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی بود، دانست و طی مصاحبه هایی بابرخی از نهادهای دفاع از حقوق زن، زنان را به تجمعات گوناگون دعوت می کرد.

با گذشت یک سال از این اتفاقات وزارتخانه ها و نهادهای مختلف با صدور اطلاعیه های جداگانه ای رعایت حجاب اسلامی را برای کارکنان و مراجعان خواستار شدند و این اولین اقدام انقلابی آشکار در جهت اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی بود. به هر تقدیر نباید فراموش کرد که در خارج از مرزهای ایران اسلامی از بدو تولد انقلاب دست های پیدا و پنهانی درصدد تولید شورش های پس از انقلاب بوده و هستند. در تاریخ بسیار مشاهده شده، انقلاب هایی که در نخستین روزها و یا ماه های پیش، به وسیله اقلیت یا گروهک هایی متزلزل و بعضا فروپاشیده است. مخالفت با حجاب هم در دو بحث جداگانه مطرح بود. یکی تصویر کردن ضعف و ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی در برقراری دموکراسی و دیگری سوق دادن افکار عمومی به جنبه عقب افتادگی ملت با مقایسه کشور با کشورهای غربی.

حضرت آیت الله خامنه ای رهبر فرزانه انقلاب در تاریخ 14 تیر ماه 59 در خطبه های نماز جمعه در توصیه هایی به زنان مسلمان ایرانی این چنین فرمودند:

«حجاب اسلامی وظیفه حفظ عفاف اسلامی است. شخصیت زن مسلمان به او اجازه نمی دهد که از راه نشان دادن پیکر برهنه خود زینت خود را نشان دهد. ای زن مسلمان ای مادری که کودک خردسال خود را در آغوش گرفتی و به میدان خطر رفتی و جان خود و کودکت را به خطر انداختی ای خواهران عزیز که مراعات حجاب اسلامی را نمی کنید شما همان کسانی هستید که در مبارزه ملت ایران با حجاب شرکت کردید و نشان دادید که به انقلاب و اسلام وفادار هستید امروز هم انقلاب ما محتاج وفاداری شماست. ای خواهران اداری که هیچ عنادی با جمهوری اسلامی ندارید فضای جامعه انقلابی را فضای عفاف عمومی قرار دهید کاری کنید که با بی اعتنایی شما به آرایش دشمن یک بار دیگر احساس کند که زن مسلمان ایران تسلیم ناپذیر است. امروز که انقلاب مورد تهدید دشمنان ما قرار گرفته با حرکت هوشیارانه خود یک بار دیگر بینی دشمن را به خاک بمالید و هوشیار باشید و توطئه دشمن را بشناسید و بدانید که هم در محیط ادارات و هم در کوچه و خیابان و هم در جامعه سعی کنید عفاف را حفظ کنید. من از سوی تمام ملت مسلمان از شما خواهران مسلمان تشکر می کنم که در پیروی از فرمان امام با لباس اسلامی در محیط کار حاضر شوید.»

ابوالحسن بنی صدر نیز یک روز بعد، 15 تیرماه 59، ضمن تکذیب اخراج زنان از ادارات دولتی، پوشش اسلامی را به به معنای احترام به شخصیت زن دانست و طی سخنانی خطاب به برخی زنان تجمع کنند در مقابل مجلس گفت:

«آن طور که دشمنان تبلیغ می کنند در جامعه ما بنا بر تحقیر انسانی نیست چه رسد به زنان که منتهای ارزش را در جامعه اسلامی دارند.»

انقلاب پیروز شده بود و باید تمام بدنه نظام که میراث سلطنت 2500 ساله شاهنشاهی بود را عوض می کرد آن هم نه با زور و نه بدون برنامه و یک شبه. در این میان بود که نقش فرهنگ سازی و ایده پردازی بیش از پیش نمایان شد. شهید آیت الله مرتضی مطهری به عنوان طلایه دار تفکر اسلامی معاصر، پرچمدار میدان اطلاع رسانی و تبیین حقایق و معارف اسلام شد. در تریخ دو دیدگاه مخالف حجاب و همچنین تبیین لزوم حجاب این گونه فرمود:

حقیقت امر اینست که در مسأله پوشش - و به اصطلاح عصر اخیر حجاب - سخن در این نیست که آیا زن خوب است پوشیده در اجتماع ظاهر شود یا عریان ؟ روح سخن اینست که آیا زن و تمتعات مرد از زن باید رایگان باشد ؟ آیا مرد باید حق داشته باشد که از هر زنی در هر محفلی حداکثر تمتعات را به استثناء زنا ببرد یا نه ؟ اسلام که به روح مسائل می نگرد جواب می دهد : خیر ، مردان فقط در محیط خانوادگی و در کادر قانون ازدواج و همراه با یک سلسله تعهدات سنگین می توانند از زنان به عنوان همسران قانونی کامجویی کنند ، اما در محیط اجتماع استفاده از زنان بیگانه ممنوع است. و زنان نیز از اینکه مردان را در خارج از کانون خانوادگی کامیاب سازند به هر صورت و به هر شکل ممنوع می باشند

درست است که صورت ظاهر مسأله اینست که زن چه بکند ؟ پوشیده بیرون بیاید یا عریان ؟ یعنی آنکس که مسأله به نام او عنوان می شود زن است ، و احياناً مسأله با لحن دلسوزانه ای طرح می شود که آیا بهتر است زن آزاد باشد یا محکوم و اسیر و در حجاب ؟ اما روح مسأله و باطن مطلب چیز دیگر است و آن اینکه آیا مرد باید در بهره کشی جنسی از زن ، جز از جهت زنا ، آزادی مطلق داشته باشد یا نه ؟ یعنی آنکه در این مسأله ذی نفع است

مرد است نه زن ، و لافل مرد از زن در این مسأله ذی نفع تر است . به قول ویل دورانت : دامنه‌های کوتاه برای همه جهانیان بجز خیاطان نعمتی است

پس روح مسأله ، محدودیت کامیابیها به محیط خانوادگی و همسران مشروع ، یا آزاد بودن کامیابیها و کشیده شدن آنها به محیط اجتماع است . اسلام طرفدار فرضیه اول است.

فلسفه پوشش اسلامی به نظر ما چند چیز است . بعضی از آنها جنبه روانی دارد و بعضی جنبه خانه و خانوادگی، و بعضی دیگر جنبه اجتماعی ، و بعضی مربوط است به بالا بردن احترام زن و جلوگیری از ابتذال او.

اما ایرادها؛ ایرادی که بر حجاب گرفته اند اینست که موجب سلب حق آزادی که یک حق طبیعی بشری است می گردد و نوعی توهین به حیثیت انسانی زن به شمار می رود. می گویند مجبور ساختن زن به اینکه حجاب داشته باشد بی اعتنائی به حق آزادی او و اهانت به حیثیت انسانی او است و به عبارت دیگر ظلم فاحش است به زن . عزت و کرامت انسانی و حق آزادی زن ، و همچنین حکم متطابق عقل و شرع به اینکه هیچکس بدون موجب نباید اسیر و زندانی گردد ، و ظلم به هیچ شکل و به هیچ صورت و به هیچ بهانه نباید واقع شود ، ایجاب می کند که این امر از میان برود.

پاسخ : یک بار دیگر لازم است تذکر دهیم که فرق است بین زندانی کردن زن در خانه و بین موظف دانستن او به اینکه وقتی می خواهد با مرد بیگانه مواجه شود پوشیده باشد . در اسلام محبوس ساختن و اسیر کردن زن وجود ندارد . حجاب در اسلام یک وظیفه ای است بر عهده زن نهاده شده که در معاشرت و برخورد با مرد باید کیفیت خاصی را در لباس پوشیدن مراعات کند . این وظیفه نه از ناحیه مرد بر او تحمیل شده است و نه چیزی است که با حیثیت و کرامت او منافات داشته باشد و یا تجاوز به حقوق طبیعی او که خداوند برایش خلق کرده است محسوب شود

اگر رعایت پاره ای مصالح اجتماعی ، زن یا مرد را مقید سازد که در معاشرت روش خاصی را اتخاذ کنند و طوری راه بروند که آرایش دیگران را بر هم نزنند و تعادل اخلاقی را از بین نبرند چنین مطلبی را زندانی کردن یا بردگی نمی توان نامید و آن را منافی حیثیت انسانی و اصل آزادی فرد نمی توان دانست.

در کشورهای متمدن جهان در حال حاضر چنین محدودیتهائی برای مرد وجود دارد. اگر مردی برهنه یا در لباس خواب از خانه خارج شود و یا حتی با پیژامه بیرون آید، پلیس ممانعت کرده به عنوان اینکه این عمل برخلاف حیثیت اجتماع است او را جلب می کند. هنگامی که مصالح اخلاقی و اجتماعی ، افراد اجتماع را ملزم کند که در معاشرت اسلوب خاصی را رعایت کنند مثلاً با لباس کامل بیرون بیایند، چنین چیزی نه بردگی نام دارد و نه زندان، و نه ضد آزادی و حیثیت انسانی است و نه ظلم و ضد حکم عقل به شمار می رود

برعکس، پوشیده بودن زن - در همان حدودی که اسلام تعیین کرده است - موجب کرامت و احترام بیشتر او است، زیرا او را از تعرض افراد جلف و فاقد اخلاق مصون می دارد.

مثال می زنم: یک افسر با نشانه های عالی افسری که گردن می افرازد، قدم ها را محکم به زمین می کوبد، باد به غبغب می اندازد، صدای خود را موقع حرف زدن کلفت می کند. او هم زبان دار عمل می کند، به زبان بی زبانی می گوید: از من بترسید، رعب من را در دل های خود جا دهید. همین طور ممکن است زن یک طرز لباس بپوشد یا راه برود که اطوار و افعالش حرف بزند، فریاد بزند که به دنبال من بیا، سر به سر من بگذار، متلک بگو، در مقابل من زانو بزن، اظهار عشق و پرستش کن.

یک ایراد دیگر که بر حجاب گرفته اند این است که ایجاد حریم میان زن و مرد بر اشتیاق ها و التهاب ها می

افزاید و طبق اصل الانسان حریص علی ما منع منه ، حرص و ولع نسبت به اعمال جنسی را در زن و مرد بیشتر می کند. به علاوه، سرکوب کردن غرائز موجب انواع اختلالات روانی و بیماریهای روحی می گردد. در روان شناسی جدید و مخصوصا در مکتب روانکاوی فروید روی محرومیت ها و ناکامی ها بسیار تکیه شده است. فروید می گوید: ناکامی ها معلول قیود اجتماعی است و پیشنهاد می کند که تا ممکن است باید غریزه را آزاد گذاشت تا ناکامی و عوارض ناشی از آن پیش نیاید.

برتراند راسل در صفحه 69 و 70 (ترجمه فارسی) کتاب جهانی که من می شناسم می گوید: اثر معمولی تحریم ، عبارت از تحریک حس کنجکاوی عمومی است و این تأثیر، هم در مورد ادبیات مستهجن و هم در موارد دیگر مصداق پیدا می کند . . . اکنون برای اثر تحریم مثالی می زنم: فیلسوف یونانی امپد کل جویدن برگهای شجره الغار را خیلی شرم آور و زشت می پنداشت

او همیشه جزع و فزع می کرد از اینکه باید ده هزار سال به علت جویدن برگ درخت غار در ظلمات خارجی (دوزخ) به سر برد. هیچوقت مرا از جویدن برگ غار نهی نکرده اند و من هم تاکنون برگ چنین درختی را نجویده ام ولی به امپد کل تلقین شده بود که نباید این کار را بکند و او هم برگ درخت غار را جوید

سپس در جواب این سؤال که: آیا شما عقیده دارید انتشار موضوع های منافی عفت علاقه مردم را به آنها زیاد نمی کند؟ جواب می دهد : علاقه مردم نسبت بدانها نقصان می یابد. فرض کنید چاپ و انتشار کارت پستال های منافی عفت مجاز و آزاد گردد. اگر چنین چیزی بشود این اوراق برای مدت یک سال یا دو سال مورد استقبال واقع شده سپس مردم از آن خسته می شوند و دیگر کسی حتی به آنها نگاه هم نخواهد کرد

پاسخ این ایراد این است که درست است که ناکامی، به خصوص ناکامی جنسی ، عوارض وخیم و ناگواری دارد و مبارزه با اقتضاء غرائز در حدودی که مورد نیاز طبیعت است غلط است، ولی برداشتن قیود اجتماعی مشکل را حل نمی کند بلکه بر آن می افزاید. در مورد غریزه جنسی و برخی غرائز دیگر، برداشتن قیود، عشق به مفهوم واقعی را می میراند ولی طبیعت را هرزه و بی بند و بار می کند. در این مورد هر چه عرضه بیشتر گردد هوس و میل به تنوع افزایش می یابد.

بدین نکته باید توجه کرد که آزادی در مسائل جنسی سبب شعله ور شدن شهوات به صورت حرص و آز می گردد، از نوع حرص و آزهائی که در صاحبان حرمسراهای رومی و ایرانی و عرب سراغ داریم . ولی ممنوعیت و حریم ، نیروی عشق و تغزل و تخیل را به صورت یک احساس عالی و رقیق و لطیف و انسانی تحریک می کند و رشد می دهد و تنها در این هنگام است که مبدأ و منشأ خلق هنرها و ابداع ها و فلسفه ها می گردد. میان آنچه عشق نامیده می شود و به قول ابن سینا عشق عقیف و آنچه به صورت هوس و حرص و آز و حس تملک در می آید - با اینکه هر دو روحی و پایان ناپذیر است - تفاوت بسیار است . عشق، عمیق و متمرکز کننده نیروها و یگانه پرست است و اما هوس، سطحی و پخش کننده نیرو و متمایل به تنوع و هرزه صفت است.

غریزه جنسی دو جنبه دارد: جنبه جسمانی و جنبه روحی. از جنبه جسمی محدود است. از این نظر یک زن یا دو زن برای اشباع مرد کافی است، ولی از نظر تنوع طلبی و عطش روحی ای که در این ناحیه ممکن است به وجود آید شکل دیگری دارد. حالت روحی مربوط به این موضوع دو نوع است: یکی آن است که به اصطلاح عشق نامیده می شود، و همان چیزی است که در میان فلاسفه و مخصوصا فلاسفه الهی مطرح است که آیا ریشه و هدف عشق واقعی، جسمی و جنسی است و یا ریشه و هدف دیگری دارد که صد درصد روحی است و یا شق سومی در کار است و آن این که از لحاظ ریشه، جنسی است ولی بعد حالت معنوی پیدا می کند و متوجه هدفهای غیر

جنسی می گردد؟

نوعی دیگر عطش روحی آن است که به صورت حرص و آرز در می آید که از شؤون حس تملک است و یا آمیخته ای است از دو غریزه پایان ناپذیر: شهوت جنسی و حس تملک، آن همان است که در صاحبان حرمسراهای قدیم و در اغلب پولداران و غیر پولداران عصر ما وجود دارد. این نوع از عطش تمایل به تنوع دارد. از یکی سیر می شود و متوجه دیگری می گردد. در عین این که ده ها نفر در اختیار دارد در بند ده ها نفر دیگر است و همین نوع از عطش است که در زمینه بی بند و باری ها و معاشرت های به اصطلاح آزاد به وجود می آید. این نوع از عطش است که هوس نامیده می شود.

اما اینکه می گویند: الانسان حریص علی ما منع منه مطلب صحیحی است ولی نیازمند به توضیح است. انسان به چیزی حرص می ورزد که هم از آن ممنوع شود و هم به سوی آن تحریک شود، به اصطلاح تمنای چیزی را در وجود شخصی بیدار کنند و آنگاه او را ممنوع سازند. اما اگر امری اصلا عرضه نشود یا کمتر عرضه شود، حرص و ولع هم نسبت بدان کمتر خواهد بود.

فروید که طرفدار سرسخت آزادی غریزه جنسی بود، خود متوجه شد که خطا رفته است، لذا پیشنهاد کرد که باید آن را از راه خاص خودش به مسیر دیگری منحرف کرد و به مسائل علمی و هنری نظیر نقاشی و غیره منعطف ساخت و به اصطلاح طرفدار تصعید شد. زیرا تجربه و آمار نشان داده بود که با برداشتن قیود اجتماعی، بیماری ها و عوارض روانی ناشی از غریزه جنسی بیشتر شده است. من نمی دانم آقای فروید که طرفدار تصعید است از چه راه آن را پیشنهاد می کند. آیا جز از طریق محدود کردن است؟ در گذشته افراد بی خبر، به دانشجویان بی خبرتر از خود می گفتند انحراف جنسی، یعنی هم جنس بازی، فقط در میان شرقی ها رایج است و علتش هم دسترسی نداشتن به زن بر اثر قیود زیاد و حجاب است. اما طولی نکشید که معلوم شد رواج این عمل زشت در میان اروپائی ها صد درجه بیشتر از شرقی ها است.

اگر در مشرق زمین محرومیت ها باعث انحراف جنسی و همجنس بازی شده است، در اروپا شهوترانی های زیاد باعث این انحراف گشته است، تا آنجا که در بعضی کشورها همان طور که در روزنامه های خبری خواندیم رسمی و قانونی شد، و گفته شد چون ملت انگلستان عملا این کار را پذیرفته است قوه مقننه باید از ملت پیروی کند. یعنی نوعی رفراندوم قهری صورت گرفته است. [2]

غفلت از درون

در سال هایی که جنگ تحمیلی را پشت سر گذاشته بودیم و دغدغه های فرهنگی، هر روز رنگ تازه ای به خود می گرفت، بحث چادر یا مانتو یک بار دیگر در محافل دانشگاهی کشور مطرح شد و تا آنجا پیش رفت که حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی –رئیس هیئت امنای دانشگاه آزاد- در یک پرسش و پاسخ دانشجویی با صراحت اعلام کرد: مانتو از نظر ما ایرادی ندارد و برای محیط های دانشگاهی نیز بدون اشکال است.

اگر چه این جملات پیش تر هم از سوی بسیاری از مسئولین مطرح و عنوان شده بود ولیکن بیان آن از زبان رئیس جمهور، خیلی از افکار خاموش و فرصت طلب را بیدار کرد! به طوری که در سال های بعد و انتصاب برخی مسئولین فرهنگی که دنبال فرصتی برای مطرح کردن عقاید و اندیشه های غربی خود بودند، این بحث وارد مراحل تازه ای شد. عطاءالله مهاجرانی اولین وزیر ارشاد کابینه آقای خاتمی، رسماً اعلام کرد، حجاب را باید به نظرخواهی از مردم واگذار کرد و حکومت هیچ وظیفه ای در قبال حجاب مردم ندارد.

این در حالی اتفاق می افتاد که در سال های قبل حتی برای حضور بانوان در اجتماعات و یا اماکن عمومی هم قوانین خاصی در نظر گرفته شده بود، مثلاً آیت الله موسوی اردبیلی در تاریخ 15 اردیبهشت 1361 به عنوان یکی از بالاترین مقامات قضایی آن روز، در مورد حجاب بانوان در تاکسی ها و به طور کلی در سطح جامعه گفت: «حجاب اسلامی باید رعایت شود، اما این که ما برخی را مجبور کنیم که حجاب داشته باشند یا نه، صورت خوشی ندارد تنها یک مسئله ای هست، این که عده ای نمی خواهند در مسیر جمهوری اسلامی قرار بگیرند؛ به هر حال باید عفت عمومی را رعایت کرد. خیابان و بازار و مجالس عمومی نباید به یک مرکز فحشا و ترویج ابتذال تبدیل شود. ما امیدواریم خانم ها در حدود حجاب اسلامی لباس مناسب بپوشند، بدن خود را بپوشانند و با یک وضع عادی و ساده بیرون بیایند.»

در چنین شرایطی وارد دهه دوم انقلاب شدیم، دهه ای که با روی کار آمدن دولت اصلاحات، بسیاری از لغات، تعاریف و حتی استراتژی ها، دست خوش تغییرات بنیادی شد. سوء استفاده از مسئله آزادی بیان و آزادی زنان، بیشترین سهم را در این مثلاً اصلاحات و در طول سال های 76 تا 84 به خود اختصاص داد. در طول این سال ها هم مانند سال های گذشته اش و دهه اول عمر انقلاب، بارها و بارها، مسئله حجاب به انواع گوناگون مطرح شد، کنفرانس ها و جلساتی برگزار و مصوباتی تصویب شد، حرکت های مقطعی انجام شد اما باز هم معضل حجاب به ویژه در پایتخت، بر قوت خود باقی ماند.

البته در طول همین سال ها بسیاری از افتخارات، مدال آوری ها و قهرمانی های بانوان در عرصه های مختلف با نمایش حجاب اسلامی در میدان های جهانی، تئوری حجاب مساوی است با محدودیت را تحت الشعاع قرار داد. حضور کاروان بانوان ایران اسلامی در مسابقات مختلف، راه اندازی ورزشگاه ها و رشته های تخصصی بانوان در کشور، حضور گسترده بانوان در مراکز علمی- تحقیقاتی و پیشرفت های علمی ایشان بر بسیاری ثابت کرد که حجاب نه تنها محدودیت نیست بلکه بستری است برای آرامش بیشتر و سهل شدن پیمودن مسیر برای رسیدن به هدف. در این سال ها تنها و تنها آنچه بیش از هر چیز توانست تاثیر شگرفی بر فضای فرهنگی کشور بگذارد هجوم رسانه های غربی و ابتذال برخی رسانه های داخلی، از جمله سینما و تئاتر، فضای هنری مرسوم به موج نو و شکل گیری تشکل های مختلف حمایت از زنان در قالب های مختلف از جمله ترویج تفکر فمینیستی.

با تمام این ها و در سال 83 در پی یک نظرسنجی گروهی از مردم تهران، 87 درصد مردم پایتخت، رعایت حجاب را در جامعه ضروری عنوان کردند. این در حالی بود که برخی کشورهای اروپایی رعایت حجاب را برای ادامه تحصیل و اشتغال، ممنوع اعلام کرده بودند و این نبود جز به خاطر ترس از گسترش اسلام در کشورهای اروپایی، دیده می شد.

87 درصد تهرانی ها رعایت حجاب را ضروری می دانند

نتایج یک نظرسنجی نشان می دهد 87 درصد از مردم تهران، رعایت حجاب را در جامعه ضروری می دانند. روابط عمومی شورای فرهنگی و اجتماعی زنان اعلام کرد: براساس طرح نظرسنجی که در قالب یک پژوهش میدانی در سطح مناطق تهران پیرامون اصل حجاب و با جامعه آماری 1000 نفر از شهروندان انجام شد، آگاهی شهروندان تهرانی نسبت به قانون منع حجاب و میزان آگاهی و مقبولیت حجاب در جامعه مورد سنجش قرار گرفت.

نتایج این تحقیق که توسط شورای فرهنگی اجتماعی زنان انجام شده نشان داد که از مجموع 66 درصد پاسخ دهندگان زن و 34 درصد پاسخ دهندگان مرد، در پاسخ به پرسشی درباره ضرورت رعایت حجاب در جامعه،

26 درصد گزینه خیلی زیاد، 29 درصد زیاد، 32 درصد تا حدودی، 7 درصد کم و 4 درصد گزینه خیلی کم را انتخاب کرده اند و در مجموع 87 درصد پاسخگویان رعایت حجاب را در جامعه ضروری می دانند.

47 درصد پاسخگویان متأهل و 56 درصد مجرد بوده اند. 30 درصد کمتر از بیست سال، 44 درصد 29-20 سال، 20 درصد 39-30 سال و 11 درصد 49-40 سال و 30 درصد بیش از 50 سال داشته اند. 90 درصد مسلمان و 10 درصد غیرمسلمان بوده اند. 42 درصد زیر دیپلم و دیپلم، 41 درصد فوق دیپلم و لیسانس، 10 درصد فوق لیسانس و دکتری و 4 درصد تحصیلات حوزوی داشته اند. 5/43 درصد غیرشاغل، 8 درصد مشاغل پزشکی، 6/19 درصد مشاغل فرهنگی، 17 درصد مشاغل اداری، 2 درصد مشاغل تولیدی و 4/8 درصد مشاغل آزاد داشته اند. بر اساس نتایج به دست آمده رابطه معناداری بین ضرورت رعایت حجاب و متغیرهای جنس و سن، دین، وضعیت تاهل و اشتغال به دست نیامد و غالباً همه اقشار رعایت حجاب را امری ضروری می دانند.

در پاسخ به دلایل وجوب حجاب در جامعه بیش از 80 درصد پاسخگویان عقیده داشتند حجاب برای زنان مصونیت اجتماعی می آورد، حدود 80 درصد معتقدند وجوب حجاب به دلیل احترام به مقام زن است. 6/77 درصد معتقدند رعایت حجاب موجب سالم سازی جامعه از انحرافات اجتماعی است. 75 درصد پاسخگویان عقیده دارند که حجاب موجب تحکیم بنیان خانواده است. 46 درصد پاسخگویان عقیده داشتند حجاب موجب محدود شدن فعالیت های اجتماعی زنان می شود.

در پاسخ به سؤال حدود و پوششی که اسلام برای زن تعیین کرده است 18 درصد اظهار داشتند هر نوع پوششی که سر و بدن را بپوشاند، 25 درصد عقیده داشتند سر و بدن به جز صورت و دست ها و زینت های مورد استفاده، 35 درصد معتقدند رعایت پوشش متناسب با عرف جامعه و 20 درصد معتقدند پوشش خاصی تعیین نشده صرفاً حیا و عفت باید رعایت شود. بر اساس نتایج به دست آمده اطلاع از نوع پوشش پیشنهادی اسلام به شناخت و تعهد فردی افراد برمی گردد و ارتباط معناداری با سن، جنس، تحصیلات و نوع شغل افراد ندارد.

در تبیین هدف دولت ها از تصویب قانون منع حجاب 58 درصد معتقدند این قانون با هدف رواج بی بند و باری میان مسلمانان بوده است. 7/57 درصد معتقدند هدف، محدود نمودن حضور اجتماعی مسلمانان بوده است. 57 درصد معتقدند هدف ناکارآمد نشان دادن احکام اسلامی است و 30 درصد معتقدند هدف دفاع از آزادی و حقوق زنان بوده است.

در تبیین جریانات موثر در تصویب قانون منع حجاب 8/53 درصد معتقدند جریانات طرفدار جهانی شدن در پشت این قضیه اند، 48 درصد جریانات فمینیستی را موثر می دانند، 8/53 درصد جریانات صهیونیستی را موثر می دانند و 40 درصد جریانات سکولاریستی و طرفداران تساهل و تسامح دینی را پشتیبان این رویداد می دانند. در بررسی پرسشنامه های پر شده از طریق اینترنت با توجه به قشر کاربران اینترنت و عدم کنترل و سهمیه بندی نمونه های آماری نتایج زیر حاصل گردید. در این روش پاسخگویان مرد بیشتر بوده اند به طوری که 57 درصد مردان و 35 درصد زنان پاسخ داده اند. همچنین تفاوت نسبت مجردان به متأهلین در این روش بیشتر است. مجردین دو برابر متأهلین بوده اند. ترکیب سنی پاسخگویان در روش الکترونیکی جوان تر است به طوری که نسبت پاسخگویان کمتر از 20 سال بیشتر و پاسخگویان بالای 40 سال کمتر از گروه مشابه خود به طریق میدانی است. پاسخگویان شرکت کننده در نظرسنجی به روش الکترونیکی دارای تحصیلات بالاتری نسبت به روش میدانی بوده اند و افراد دیپلم و زیر دیپلم و حوزوی کمتر شرکت کرده اند. از نظر وضعیت اشتغال نتایج در هر دو روش همخوانی دارد تنها مشاغل پزشکی کمتر و مشاغل تولیدی بیشتر شرکت کرده اند. براساس اطلاعات به دست

آمده در زمینه لزوم رعایت حجاب در جامعه 46 درصد پاسخ خیلی زیاد داده اند در حالی که در روش میدانی تنها 25 درصد خیلی زیاد را برگزیده اند. این در حالی است که درصد پاسخ خیلی کم نیز در این روش 3 برابر روش میدانی است و تعداد بسیار کمی گزینه تا حدی را انتخاب کرده اند. می توان گفت چون روش غیرحضوری بوده افراد موضع خود را واضح تر بیان کرده اند و در مجموع میانگین جواب های مبنی بر ضرورت رعایت حجاب در جامعه از این طریق اندکی بیشتر از روش میدانی است. در پاسخ به دلایل وجوب حجاب در جامعه به ترتیب اولویت گزینه های تحکیم بنیان خانواده، احترام به مقام زن، سالم سازی جامعه، مصونیت اجتماعی و محدود کردن فعالیت های زنان انتخاب شده است.

در پاسخ به نوع حجاب مورد قبول مخاطبین به ترتیب چادر 40 درصد، مانتو مقنعه 22 درصد، مانتو روسری 12 درصد، هر نوع لباس با پوشش سر 8 درصد و هیچکدام 18 درصد انتخاب شده است.

چه باید کرد؟

برای ترویج فرهنگ عفاف و رفع معضل بد حجابی، فرهنگ سازی بیشترین طرفدار را دارد؛ بنابراین باید کار فرهنگی کرد که صد البته پیشقراولان این حرکت، دستگاه های فرهنگی اند و سایر نهادهای اجتماعی هم در این مورد باید کمک کنند؛ از خانواده گرفته تا صدا و سیما. برنامه ریزی، تلاش و صبر راهگشاست و هماهنگی بین دستگاه های فرهنگی، یک اصل انکارناپذیر.

در این میان وظیفه چند نهاد و دستگاه از بقیه سنگین تر است اما به نظر می رسد مهمترین نهاد در میان همه اینها، «نهاد مردم» است. در واقع ما باید مراقب باشیم و به خود و یکدیگر تذکر دهیم. به این ترتیب اولین جایی که باید حجاب نهادینه شود، خانواده است؛ به شرطی که دلیل پوشیده بودن را برای نونهال و نوجوانان توضیح دهیم آن هم به زبان روز و با منطق قوی.

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی با اشاره به این که خانواده، اولین جایی است که شخصیت انسان شکل می گیرد می افزاید: «اولین الگوی حجاب یا بدحجابی، والدین هستند. اگر والدین به پوشش مناسب اهمیت بدهند و خود را به گوهر حجاب و حیا آراسته نمایند، فرزند نیز از آنها نمونه برداری خواهد کرد.» «لاله افتخاری» ادامه می دهد: «اگر والدین، آموزش صحیح فرهنگ حجاب را سرلوحه تعامل خود با فرزندان قرار دهند و محجبه و باحیا بودن را در درون او نهادینه کنند، او در جوانی تحت تاثیر بدحجاب ها، پوشش خود را تغییر نمی دهد.»

مدیر یک موسسه علمی- کاربردی نیز می گوید: «نحوه رفتار پدر و مادر در ملاقات با دیگران، نوع پوشش مادر، زمانی که با نامحرمان گفت وگو می کند و تقید والدین به حیا و پاکدامنی، در فرزند تاثیر می گذارد؛ ضمن این که بعضی اقدامات همچون جداسازی اتاق خواب کودک و رعایت اخلاق در محیط خانواده، در بروز روحیه عفاف طلبی فرزند موثر است.»

کودک با ورود به محیط مدرسه، اولین تجربه دوری از والدین را لمس می کند و تأثیر و تأثر در رفتار و کردار و پوشش و خلیات را می آموزد و 12 سال از عمر خود را در مقاطع تحصیلی این نهاد سپری می کند. «سیدمحمدرضا میرتاج الدینی» عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در این زمینه می گوید: «یکی از راه های مؤثر در ترویج فرهنگ عفاف، قراردادن مطالبی در زمینه حجاب در کتاب های درسی دانش آموزان ابتدایی و راهنمایی و دادن آموزش های جذاب و مشوق امر پوشش اسلامی است.»

نماینده مردم تبریز می افزاید: «معرفی الگوهای مناسب و در پاره ای مواقع، تذکرهاى بخشنامه ای در کنار همان آموزش ها، می تواند در ترویج فرهنگ حجاب بسیار مؤثر باشد.»

نماینده مردم تهران نیز با اشاره به تشکیل جلسات پرسش و پاسخ در زمینه حجاب در مدارس می گوید: «باید به سؤالات و شبهات دانش آموزان و حتی والدین آنها درباره حجاب، پاسخ صحیح و منطقی داده شود تا به تدریج زمینه های بدحجابی از میان رفته و فرهنگ عفاف جا بیفتد.» لاله افتخاری دادن کتاب هایی به غیر از کتب درسی درباره حجاب و طرح مسابقه در این زمینه از محتوای همان کتاب ها را یکی دیگر از راه های رواج پوشش اسلامی در مدارس عنوان می کند.

همانطور که قبلاً هم گفتیم متأسفانه گاه تغییر پوشش از وضع مطلوب به نامطلوب در برخی دانشگاه ها اتفاق می افتد و دلیل آن حساسیت جوان ها در سنین 18 تا 22 سالگی نسبت به یکدیگر و افزایش میل خودنمایی به ویژه در خانم هاست.

«عفت شریعتی کوهبنانی»، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در این زمینه می گوید: «در دانشگاه های معتبر خارجی، سلامت پوشش رعایت می شود و بین محیط علمی و خیابان تفکیک وجود دارد.» «لاله افتخاری» سخن همکار مشهدی اش را تکمیل می کند: «در کشورهای لائیک هم دانشجویان در محیط علمی، لباس ساده می پوشند و برای این مکان، شأن و منزلت قائلند و کسی آرایش نمی کند. ما هم باید این فرهنگ را که دانشگاه از خیابان جداست با روش های ایجابی و هنرمندانه جا بیندازیم.» نماینده مردم تهران در ادامه اضافه می کند: «تشکیل جلسات پرسش و پاسخ و رفع شبهات در زمینه حجاب برای دانشجویان و دادن آموزش های لازم در این باب، راهکار مؤثری است.»

«میر تاج الدینی» هم، رواج فرهنگ عفاف در میان جوانان را از راه ارشاد و اهنمایی مشفقانه مؤثر ارزیابی می کند و نشان دادن الگوهای برتر حجاب که موفقیت های علمی و از این قبیل کسب می کنند را یک راهکار تأثیرگذار عنوان می نماید.

تمامی مسئولانی که با آنها صحبت شد، دادن تذکرهاى مؤدبانه و مشفقانه در محیط دانشگاه توسط دست اندرکاران این محیط ها را در کنار دیگر طرح ها مؤثر دانسته اند که نگارنده خود شاهد اعمال این روش منطقی در مجتمع ولی عصر «عج» دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی بوده است و امید آن می رود که در دیگر دانشگاه های دولتی و غیردولتی نیز اعمال شود. در مجتمع ولی عصر ضمن جلوگیری از ورود افراد متفرقه به دانشگاه از طریق کنترل دقیق کارت های دانشجویی، با روشی مشفقانه از دانشجویان خانم خواسته می شود که مانتوهایی با پوشش بهتر بر تن کنند.

نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی از «ساماندهی مد و لباس» به عنوان یکی از طرح های قوه مقننه برای رفع معضل بدحجابی سخن می گوید و می افزاید: «مجلس، خواسته به حق مردم در مهار بدحجابی را در قالب طرح مد و لباس برآورده می کند.»

نماینده مردم تهران نیز از طرح «لباس ملی» برای رواج فرهنگ عفاف می گوید: «از همه رسانه ها برای تبلیغ این طرح استفاده خواهد شد و لباسی متناسب با فرهنگ و ذائقه ایرانی و با تنوع محلی و بومی به بازار عرضه می شود و تلاش داریم که با برپایی نمایشگاه و از طریق صدا و سیما این لباس را جا بیندازیم و حتی آن را به خارج صادر کنیم.»

وقتی این دو طرح را با برخی از خانم ها مطرح می کنم، واکنش های متفاوتی نشان می دهند. عده ای موافقند و

گروهی مخالف. بعضی ها هم که تکلیفشان با این مسئله روشن نیست، غرولند می کنند. خانم های محجبه اعم از مانتویی و چادری این طرح ها را به شرط آن که لباس هایی متنوع و منطبق بر سلايق متفاوت باشد، مطلوب می دانند.

دکتر علی مطهری در طرحی که برای پوشش اسلامی به کیهان عرضه کرده، در باره نوع تعیین پوشش مردم، می نویسد: «اعمال نظر در نوع پوشش مردم از طرف حکومت ها چیزی نیست که منحصر به ایران باشد. در اکثر کشورهای جهان قانونی در این زمینه وجود دارد منتها حدود آن متفاوت است.»

رسانه تصویری، اثرگذارترین وسیله ارتباطی است. سیما و سینما می توانند محملی باشند برای ترویج عفاف در جامعه. اینترنت نیز یکی دیگر از رسانه های پرمخاطب و موثر قلمداد می شود. «لاله افتخاری» با اشاره به این که باید از همه عوامل برای رفع بدحجابی استفاده کرد، می گوید: «فیلم و سریال در زمینه ترویج عفاف باید ساخته شود و در عوض اگر اثری تصویری موجب رواج بی عفتی می شود، نباید به نمایش درآید.»

«سیدمحمدرضا میرتاج الدینی» نیز با اشاره به این که باید جلوی پخش آثار هنجارشکن گرفته شود، می افزاید: «سریال هایی که متلک و شوخی بین زن و مرد را رواج می دهند، نباید پخش شوند.» همچنین بر فیلم های سینمایی باید نظارت شود تا ترویج ضداخلاق نکنند. بر ویدئو کلپ ها هم با توجه به این که تعداد بیشتری از مردم را جذب فیلم ها می کنند، باید نظارت دقیق تری صورت گیرد.» نماینده مردم تبریز ادامه می دهد: «با ساخت سریال ها و فیلم های خوب و آموزنده می توان مردم را به طرف رعایت حجاب تشویق کرد.»

یک روزنامه نگار با اشاره به اثرگذاری سریال ها بر مردم می افزاید: «در اوایل دهه 70 شمسی سریالی تحت عنوان «در پناه تو» پخش شد که بسیاری از دختران و زنان مانتویی و حتی بدحجاب تحت تاثیر شخصیت اول آن سریال، چادری شدند. اگر ساخت اینگونه سریال ها ادامه می یافت و با ترتیب دادن میزگردهای نقد و بررسی، درباره حجاب تبلیغ و صحبت بیشتری می شد، وضعیت خیلی بهتر از حال حاضر بود.»

این نویسنده ادامه می دهد: «طرح هایی چون مد و لباس یا لباس ملی اگر به صورت ابلاغیه و دستورالعمل یا مثل تبلیغ عروسک های دارا و سارا باشد جواب نمی دهد، بلکه باید با تبلیغ نامحسوس از طریق پوشاندن آن به تن سوپر استارهای سینما و تلویزیون در فیلم ها و سریال ها و مجریان سیما و همچنین هدیه دادن در ادارات و دانشگاه ها و ارزان فروشی آنها در بوتیک ها و فروشگاه ها بین زنان و دختران مدبشود.»

یک دانشجو می گوید: «در هالیوود گاه برای فروش یک کفش یا لباس، فیلم یکصد دقیقه ای می سازند تا یک کالا را به مردم معرفی کنند اما در کشور ما کمتر کسی برای ترویج حجاب فیلم و سریال می سازد.» او ادامه می دهد: «نشان دادن مضرات بدحجابی و مواهب حجاب و نمایاندن الگوهای جذاب در پوشش اسلامی، به ویژه از نوع برتر آن یعنی چادر که در قاموس شخصیت های آرمانی فیلم ها و سریال ها پدیدار می شود، بهترین راه ترویج و تبلیغ عفاف است.»

از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی و به منظور ایجاد هماهنگی بین دستگاههای مرتبط با ترویج فرهنگ حجاب، «کمیته ترویج و گسترش فرهنگ عفاف» تشکیل شد. این کمیته 22 عضو دارد که رئیس آن، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی است و نمایندگانی از مجلس، صداوسیما و وزارت خانه های بازرگانی، کشور، اطلاعات، مسکن و شهرسازی، اقتصاد و دارایی، آموزش و پرورش، علوم، بهداشت و یازده نهاد دیگر در آن عضویت دارند. جلسات این کمیته در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل می شود و گزارش عملکرد آن هر 6 ماه یکبار به شورای عالی انقلاب فرهنگی که ریاست آن به عهده رئیس جمهوری است، ارائه خواهد شد.

همچنین «لاله افتخاری»، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس از تشکیل کمیته ای برای ساماندهی مد و لباس خبر داد و افزود: «این کمیته متشکل از نمایندگان از صداوسیما، تولیدکنندگان و فروشندگان لباس، اصناف، کمیسیون فرهنگی مجلس و غیره است که وظیفه تولید، عرضه، برگزاری نمایشگاه های مربوطه و نظارت بر امور یاد شده را در طرح ساماندهی مد و لباس برعهده دارد.» نماینده مردم تهران اضافه کرد: «در این کمیته بررسی می کنیم که اگر طرح، نیاز به بودجه، سوبسید و دیگر موارد دارد، اقدام شود تا لباس هایی زیبا، متنوع و پوشیده به مردم عرضه شود. ضمن اینکه در این طرح به لباس های محلی ارزش و اهمیت خاصی داده خواهد شد.»

زن برتر، حجاب برتر

از روایات و احادیث چنین برمی آید که حضرت فاطمه زهرا (س) وقتی قدم در اجتماع می گذاشتند، خود را در جامه ای فراگیر- چادر- می پوشاندند و در جمع زنان بنی هاشم با بهت و متانت قدم برمی داشتند. در قیامت نیز وقتی بانوی دو عالم وارد شوند، فریادی برخواهد آمد که: «ای مردم چشم هایتان را ببندید تا فاطمه (س) دختر رسول اکرم (ص) عبور نماید.» و این پاداش عفاف است.

زن مسلمان ایرانی همواره مفتخر به داشتن حجاب برتر بوده است. حجاب از آن رو واجب شد که زن بتواند در اجتماع آزادانه و آسوده حاضر شود و برخلاف آنچه غافلان و مغرضان می گویند، حجاب، وسیله نگه داشتن زن ها در پستوی خانه ها نیست. امروزه زنان محجبه ایرانی، در تمام عرصه ها به موفقیت های بزرگی دست می یابند و آنانی که حجاب برتر- یعنی چادر- را انتخاب کرده اند موفق ترند [3].

فرهنگسازی و دیگر هیچ...

بررسی و نگرش به وضعیت زنان قبل و بعد از انقلاب اسلامی، و مقایسه آن دو مقطع زمانی، خیزش بی نظیر زنان به سوی متعالی شدن و انتخاب پوشش مناسب را در ربع قرن گذشته نشان می دهد. دستاوردهای مهم علمی، اجتماعی، فرهنگی و هنری زنان طی سال های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نشانگر رشد و بلوغ و شعور فکری آنهاست.

زنان مسلمان با حضور در عرصه های مختلف سیاسی اجتماعی به خصوص هشت سال دفاع مقدس، ثابت کردند که توانمندی های زیادی در همه زمینه ها دارند و در صورت داشتن فرصت های مساوی با بروز آنها مدارج مهمی را کسب خواهند کرد.

امروزه دیگر به اثبات رسیده که حجاب در واقع هرگز مانعی جهت حضور زنان در اجتماع و کارکردن آنها نبوده و نخواهد بود. در ایران زنان محجبه در شهرها و روستاها در کنار مردان در مزارع و کارخانه ها و ادارات در حال فعالیت هستند و چون زن و مادر کانون اصلی مهر و عاطفه در جامعه ما هستند، همچنان قوام و محوریت خانواده نیز با آنهاست.

گرایش زنان و دختران در غرب و اروپای به ظاهر متمدن به سوی حجاب هر روز فزونی می یابد و هر روز در خبرها شاهد اخراج دختران محجبه از دانشگاهها و جلوگیری از ورود زنان با حجاب به مراکز علمی هستیم. خداوند در قرآن کریم همان گونه که به اهمیت نماز و دستورات شرعی اشاره فرموده است به همان محکمی در خصوص حفظ حجاب آیاتی را نازل کرده است.

هر از چند گاهی کشور ما شاهد بحث داغ و جنجال برانگیز حجاب است و قبل از این که با این معضل برخورد شود بایستی نهادهای فرهنگی و تربیتی و عقیدتی که با استفاده از بیت المال و بودجه های کلان نتوانسته اند در این بیست و چند سال گذشته به رسالت خود در زمینه فرهنگ عفاف و حجاب عمل کنند، مواخذه و بازخواست شوند.

باید ریشه یابی کرد که چرا بعد از 27 سال حکومت دینی در ایران هنوز می باید احکام بدیهی اسلام را با نیروی پلیس اعمال کرد.

چرا باید صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران که امام بزرگوار آن را دانشگاه نامید، به جای پرداختن به موضوعات اصیل در حوزه فرهنگ، به ترویج فرهنگ های بی هویت و انحرافی و سریال هایی که عملاً تبلیغ بدحجابی و بی قید و بندی می کند بپردازد و از ارزش های اسلامی هر روز فاصله بگیرد و با ساختن فیلم هایی که در آن زنان با آرایش و پوشش نامناسب حضور دارند موجب اشاعه فرهنگ بی حجابی در جامعه شود؟

همانطور که گفته شد حجاب مقوله ای فرهنگی است و راهکارهای فرهنگی می طلبد و برخورد با معضل بدحجابی در جامعه باید سنجیده و عالمانه باشد و از شعارها و کارهای غیرمعقول پرهیز کرد. پرداختن به این موضوع برای یک هفته و حتی یک ماه، ما را به آنجا خواهد برد که در حال حاضر قرار داریم.

در خصوص حجاب و بدحجابی و بی حجابی در جامعه اسلامی لازمه کار، فرهنگ سازی است و در این راستا باید به آگاه سازی جوانان و نسل جوان پرداخت و به جای برخورد با معلول به علت ها توجه کرد و در برخورد با این ناهنجاری اجتماعی تا حد ممکن نباید از قوه قهریه استفاده کرد چون با نیروهای انتظامی و امنیتی نمی توان به مقابله با پدیده فرهنگی رفت.

متأسفانه در جامعه کنونی ما در میان جوانان و نوجوانان و برخی از بزرگترها به فرم و پوششی برمی خوریم که حتی در خود اروپا و آمریکا نیز پوششی زننده محسوب می شود و این نوع پوشش به گروههای پست و منزوی جامعه غرب تعلق دارد که متأسفانه برخی جوانان ما از طریق کانال های ماهواره ای الگوهای خود را انتخاب می کنند، الگوهایی که با دین و فرهنگ و عرف جامعه ما فاصله بسیار دارد.

رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان اخیراً اظهار داشته که باید به نیازهای جوانان اهمیت داد، حرف درستی است، جوان عاشق رنگ های شاد و متنوع است و این حس معقول و طبیعی اوست و ما باید این حس را در پوششی مناسب به آنها ارائه کنیم تا او اغنا شود و به دنبال الگوهای نامناسب نرود.

نتایج بسیاری از بررسی ها و نظرسنجی ها حاکی از آن است که نیمی از زنان جامعه به رعایت حجاب اسلامی اعتقاد عمیق دارند و در موارد دیگر سهل انگاری و عدم آگاهی و نبود الگوی مناسب، موجب بدحجابی دختران و زنان می شود.

گسترش فرهنگ عفاف، قادر است ضمن حفظ احترام و حرمت زنان، قوانینی را جهت تامین حقوق اجتماعی و شرعی آنان ارائه دهد.

باید بدانیم که امروزه پوشش نامناسب فقط مختص خانم ها نیست بلکه برخی از آقایان هم از لباس های نامناسب و مغایر با فرهنگ و عرف جامعه اسلامی استفاده می کنند که عمدتاً از مرزها وارد کشور می شود که باید مسئولان مربوطه، با واردات بی رویه و غیرقانونی کالاهای خارجی که با فرهنگ ما سازگاری ندارند مقابله کنند. باید بدانیم و نبایدها در این مقوله بسیار است، اگر جامعه ای سالم و عاری از بی عفتی می خواهیم، باید برنامه داشته باشیم و به روزمرگی نیفتیم و مسئولان حتماً توجه ویژه ای به بودجه های فرهنگی داشته باشند و برای

حل این معضل برنامه های کوتاه مدت و بلند مدت ارائه کنند تا ان شاء الله همچون گذشته نسلی آگاه، پویا و محبوب داشته باشیم [4].

شاید برای خاتمه این مقاله و ذکر این نکته که هنوز هم مساله حجاب و گسترش بدحجابی برای مسئولان جدی نشده است، سخنان نایب رییس سابق مجلس خبرگان رهبری تلنگری محسوب شود، چرا که گفته می شود نیروی انتظامی قصد دارد از اردیبهشت ماه امسال طرح برخورد با بدحجابی را اجرایی کند.

آیت الله امینی در خطبه های نماز جمعه قم و در تاریخ 22 اردیبهشت 85 یکبار دیگر و با صراحتی مثال زدنی، غفلت از موضوع بدحجابی در جامعه را یادآور شد و از دستگاه های مسئول به شدت انتقاد کرد: «درست است که بی حجابی نداریم، اما این بدحجابی هایی که در شهرها داریم، نگران کننده است ! خانم های ایرانی شریفند، بزرگند، گرامیند. به حجاب علاقه دارند، ولی متاسفانه مساله بدحجابی و توسعه آن نگران کننده است ! چه در قم باشد، چه در شهرهای دیگر و چه در تهران. من نمی گویم کسانی که بدحجاب اند. دین ندارند! نه ! بسیاری از آنها متدین هستند؛ واقعا متدینند، اما نسبت به این مساله توجهی نیستند. خیلی از آن ها اصلا نمی دانند حجاب از مسائل ضروری اسلام است.»

نایب رییس سابق مجلس خبرگان افزوده است: «من هم واقعا نمی دانم چرا ! خوب، زنان در کشور ما که حجاب دارند ، اما چرا این گونه بدحجابی رایج شده و همین طور، روز به روز هم توسعه پیدا می کند مراجع ما از این وضعیت شدیداً ناراضی هستند! مردم هم به مراجع تقلید فشار می آورند که چرا سخنی نمی گوئید ! بارها و بارها به خود من گفته اند، چرا در این باره در خطبه ها حرفی نمی زنی ! به من اعتراض کرده اند! من هم می دانم حق با آن ها است . به آنها دلدار می دهم و می گویم ان شاء الله درست می شود؛ این مشکلی است که از مدت ها قبل گرفتار آن بوده ایم ! ولی به هر حال ، باید برای حل این مساله فکری کرد!»

...ایشان در ادامه با تأکید بر ضرورت کار فرهنگی در این زمینه گفته اند: «حداقل باید یک مقداری کار فرهنگی کرد یا نه انجام کار فرهنگی در توان کیست ! چه کسی باید این کار را به سامان برساند ! نیروی انتظامی در اختیار دولت است ! وزارت ارشاد در اختیار دولت است ! صدا و سیما در اختیار دولت است ! خوب، همه این ها در اختیار دولت است ! برای انجام کار فرهنگی، چه نهاد دیگری باید در اختیار دولت باشد ! پس چرا کاری نمی کنید ! چرا اقدامی در این راه صورت نمی دهید ! چرا مساله را جدی نمی گیرید !

اولین اقدامی که می توانید کنید، این کار را از ادارات و زیر مجموعه دولت شروع کنید! ادارات که دیگر در اختیار دولت است مگر دانشگاه ها در اختیار دولت نیست دانشگاه ها هم در اختیار دولت است ! چرا از این ها شروع نمی کنید اگر عموم مردم کوچه و بازار نمی خواهند کاری کنند، اما مگر نمی توان از آن مراکزی که زیر نظر دولت است، شروع کنند ! آیا درست است که کسی بیاید در دانشگاه های ما و این بدحجابی ها را ببیند !

درست است که بی حجابی نیست، ولی بدحجابی هم کمتر از بی حجابی نیست ! در بسیاری از کشورهایی که من به آنها سفر کرده ام مردم یا حجاب دارند و یا بی حجاب هستند! ولی خدا می داند ، بدحجابی نیست ! اگر بود، می گفتم . یا حجاب دارند ، یا بی حجاب هستند اما بدحجابی نیست ! آخر این چه پدیده زشتی است که به وسیله ماهواره ها و اینترنت و امثال آن، ترویج می شود و جلوی آنها گرفته نمی شود. ما از دولت محترم انتظار داریم به طور جدی، فکری کرده و برای حل این معضل اقدام کند!»

1- 16/12/57

2- مسئله حجاب شهید مرتضی مطهری

3- روزنامه کیهان اردیبهشت 85

4- بخشی از مقاله عباس صالحی با عنوان گسترش حجاب و فرهنگ سازی.